

تبیین جامعه‌شناختی نقش ایدئولوژی در توسعه سیاسی ایران (۱۳۰۴-۱۲۸۵ ه. ش)

دکتر غلامعباس توسلی* - دکتر فرح ترکمانی**

چکیده

در تبیین جامعه‌شناختی نقش ایدئولوژی در توسعه سیاسی ایران در سال‌های ۱۳۰۴-۱۲۸۵ هجری شمسی، چهارچوب مفهومی تلفیقی خرد-کلان با کنار هم نهادن عوامل تاریخی، ساختاری، نظام کنش متقابل و کنشگران مطرح شده است.

ایدئولوژی به عنوان نوعی از معرفت که بر پایه عقل استوار است نظام کنش متقابل کارکردی پاتریمونیاال را که بر نقش «تابعیت» تکیه دارد به نظام کنش متقابل وابستگی گرایش می‌دهد. ظهور آثار منتهجه از ویژگی‌های نظام کنش متقابل وابستگی است که می‌تواند گاه در جهت ظهور مؤلفه‌های توسعه سیاسی و گاه افول آنها عمل کند.

شکل نوسانی توسعه سیاسی با حضور ایدئولوژی در سال‌های ۱۳۰۴-۱۲۸۵ هجری شمسی فرضیه اصلی این مقاله است که تحت‌تأثیر ساختار سیاسی قبل از ورود افکار جدید (پاتریمونیاالیسم)، شکل‌گیری نظام کنش متقابل وابستگی با حضور ایدئولوژی و ویژگی‌های خاص این نظام و همچنین شرایط اقتصادی-اجتماعی بدان پرداخته می‌شود.

مدل تحلیلی قیاسی-قانونی جهت تبیین نظری فرضیه‌های به کار گرفته شده است و با ترکیبی از جمع‌گرایی روش‌شناسی یعنی روش تاریخی-تطبیقی با تکنیک اسناد و مدارک (کتابخانه‌ای) و فردگرایی روش‌شناسی که بر استنباط و تکنیک فهم متکی است به آزمون تجربی کشیده شده است.

واژگان کلیدی

ایدئولوژی، نظام کنش متقابل وابستگی، کارگزار اجتماعی، آثار منتهجه، فرآیند تجمعی نوسانی، مؤلفه‌های توسعه سیاسی

* استاد دانشگاه تهران

** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (فارغ‌التحصیل دکتر جامعه‌شناسی از دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات)

مقدمه

«ایدئولوژی» مفهومی است که در رابطه با انواع معرفت مطرح می‌شود و حوزه جامعه‌شناسی شناخت عمیقاً بدان پرداخته است. طرح مسئله رابطه ایدئولوژی و توسعه سیاسی در حوزه جامعه‌شناسی معرفت ایجاب می‌کند که در پی برقراری مناسبات منطقی فونکسیونل، نظم موقت و یگانگی مستقیم معرفت با قالب‌های اجتماعی البته نه به عنوان یک رابطه علی، گام برداریم. ایدئولوژی به عنوان یک امر اجتماعی، لایه و بخشی از پدیده اجتماعی کامل را که جزء آن است تشکیل می‌دهد و لزومی ندارد تا زمانی که تباین صریحی میان قالب اجتماعی و معرفت وجود ندارد، به جستجوی علیت اقدام کرد. انواع مناسبات دیالکتیکی بین معرفت و قالب اجتماعی وجود دارد چنانکه تعالی هر کدام می‌تواند دیگری را تحت تأثیر قرار دهد و باعث دگرگونی آن گردد. گذراندن هر معرفتی از صافی جامعه‌شناسی این امکان را فراهم خواهد ساخت که علت ناکارآمدی و عقیم ماندن نظام‌های معرفتی در یک قالب اجتماعی بر ملا گردد و از سویی باید متوجه معرفت‌هایی که از قالب‌های اجتماعی فاصله گرفته‌اند باشیم و همچنین به تجدید حیات نظام‌های معرفتی بی‌اعتنایی نکنیم. در این راستا معرفت به دنیای خارجی، زمان و مکان که این دنیا در آن واقع است، معرفت به دیگر، ما، گروه‌ها و طبقات اجتماعی و جامعه‌ها، «شم عامه»، معرفت فنی، معرفت سیاسی، معرفت علمی و فلسفی می‌تواند در رابطه با قالب اجتماعی قرار گیرد. لذا معرفت را می‌توان هم صورت‌پنداری و صورت‌عقلی، تجربی و ادراکی، تحقیقی و نظری، شهودی و استدلالی، رمزی و واقعی، جمعی و فردی در نظر گرفت تا از خطاهای حکم جهانی دادن، کلان‌نگری و خردنگری صرف و عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی مطلق دوری جست.

در قرون وسطی که نه تنها اعتقاد به یک نظم جهانی بی‌ابهام رواج داشت، بلکه گمان می‌رفت که ارزش وجودی‌ای که در سلسله مراتب چیزها به هر شیئی نسبت داده می‌شود برای همگان معلوم و آشکار است؛ تبیینی درباره ارزش اندیشه و توانایی‌های انسان رایج بود که بر پایه جهان‌اشیاء قرار داشت. پس از فروپاشی این دوره، مفهوم نظم در جهان‌اشیاء که سلطه

تیین جامعه‌شناختی نقش ایدئولوژی ❖ ۳

کلیسا ضامن بقای آن بود در پردهٔ ابهام افتاد و قرن هجدهم را دورهٔ بیداری یا روشنگری^(۱) یا تنویر افکار نام نهادند از آن جهت که نقش فعالیت‌های عقلانی در آن برتر می‌نمود. اولین درونمایه عصر روشنگری در فلسفه سیاسی با رشد نظریه قرارداد اجتماعی، با هابز آغاز گردید و از طریق لاک و روسو، به طور وسیعی عمومیت یافت. درونمایهٔ دیگر، معرفت یا شناخت بود.

اصولاً در ساخت جهان‌بینی روشنگری، اعتبار فزایندهٔ علوم طبیعی، که معمولاً به عنوان «فلسفه طبیعی» شناخته شده، نقش مهمی ایفا کرد. بدین ترتیب «درونمایه اصلی جهان‌بینی روشنگری» در سه مفهوم کلیدی یعنی عقل، طبیعت و پیشرفت شکل می‌یابد (گلدمن، ۱۳۷۵ ص ۱۸).

سیاست در قرون وسطی صرفاً مبارزه‌ای در راه کسب قدرت نبود. لکه در رگ هدف‌هایش خون نوعی فلسفهٔ سیاسی، همراه با نوعی جهان‌نگری سیاسی جریان داشت. در دوران روشنگری با افزایش روح دموکراتیک، نه تنها حکومت بلکه حزب‌های سیاسی نیز کوشیدند برای تعارض‌هایشان نظم علمی و بنیان فلسفی فراهم آورند. نخست آزادیخواهی سپس محافظه‌کاری و سرانجام جامعه‌گرایی از هدف‌های سیاسی خود، آیین فلسفی و جهان‌نگری‌ای به وجود آوردند که با روش‌های استوار اندیشه و نتیجه‌گیری‌های مقرر و مقتضی همراه بود. بدین‌سان به شکافی که در جهان‌نگری دینی پدید آمده بود، خرده جهان‌بینی‌های سیاسی نیز افزوده شد.

ایدئولوژی به عنوان تشدید بحران فکری و معنوی، به دنبال وارد شدن گرایش به پرده‌داری انگیزش‌های ناخودآگاه محیطی موجود در تفکر گروهی، در ذهن اجتماعی مطرح شد. همانگونه که عنوان گردید این پدیده در پی زوال تدریجی جهان‌بینی وحدانی که برای انسان ساده، کثرتی از استنباط‌های ناهمگون دربارهٔ جهان را شکل داد و برای روشنفکران به صورت تجمعی از سبک‌های آشتی‌ناپذیر از اندیشه جلوه کرد، شکل گرفت.

در جامعه‌شناسی، پیشینهٔ مطالعات در رابطهٔ ایدئولوژی و دگرگونی سیاسی در دو نظریه

1. ú Enlightenment

۴ ♦ تبیین جامعه‌شناختی نقش ایدئولوژی

منافع^(۱) و نظریه فشار^(۲) قابل جمع است. از دید کلیفورد گیرتز «در نظریه نخست ایدئولوژی نقاب و سلاح است، در نظریه دوم ایدئولوژی نشانه بیماری و درمان. در نظریه منافع، تجلیات ایدئولوژیک در ارتباط با پس زمینه مبارزه عمومی در جهت کسب امتیاز در نظر گرفته می‌شود، در نظریه فشار تجلیات ایدئولوژیک مرتبط با پس زمینه تلاش مداوم به منظور درمان عدم تعادل روانی - اجتماعی دانسته می‌شود. در اولی آدمیان به دنبال قدرتند و در دیگری آنان احساس نگرانی می‌کنند» (تامپسون و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۹۳). تفاسیر مارکسیستی ایدئولوژی به نظریه منافع گرایش دارند. این تفاسیر بر این مطلب تأکید می‌کنند که افکار، سلاح‌هایی در کشمکش طبقاتی‌اند. این رویکرد از این امتیاز بزرگ برخوردار است که نظام‌های افکار فرهنگی را بر ساخت اجتماعی، بویژه ساخت طبقات مبتنی بر منافع اقتصادی، بنا می‌نهد. دیدگاه ساختی - کارکردی در چهارچوب نظریه فشار نقش‌آفرینی ایدئولوژی را در جنبشها و حرکت‌های اجتماعی در درمان تعادل - روانی اجتماعی می‌داند. این دو نظریه از الگوهای کلان‌نگر هستند و قابل ذکر است که الگوهای خردنگر در دگرگونی سیاسی از به کار بردن مفهوم ایدئولوژی خودداری کرده‌اند؛ هر چند که بحث عوامل غیر مادی را در رابطه با دگرگونی سیاسی عنوان نموده‌اند.

مطرح شدن ایدئولوژی در رابطه با توسعه سیاسی با فرجام شکل‌گیری مشارکت و رقابت گروه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی و تداوم آن نمی‌تواند در سطح ساخت قدرت و نهادهای سیاسی و فرهنگ سیاسی گروه حاکم متوقف شود. لذا با دیدی تلفیقی از خرد - کلان نظام کنش متقابل سیاسی و نقش کنشگران نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

نظریه تحلیل نظام کنش متقابل

پرداختن به نظام کنش متقابل سیاسی با تمسک به آرای دگرگونی ریمون بودون^(۳)، جامعه شناس معاصر فرانسوی که دیدی تلفیقی از نظام - کنش را ارائه کرده است، صورت می‌گیرد.

1. ú Interest Theory

2. ú Strain Theory

3. ú Raymond - Boudon

۵ ❖ تبیین جامعه‌شناختی نقش ایدئولوژی

لذا مفاهیم اساسی در دیدگاه وی باید مورد تدقیق قرار گیرد.

از دید بودون نظام‌های کنش متقابل^(۱) را می‌توان به صورت «کارکردی»^(۲) و «وابستگی»^(۳) تقسیم‌بندی کرد (۱۳۶۴، ص ۷۴). در نظام کارکردی مفهوم «نقش»^(۴) برای تحلیل جامعه‌شناختی ضروری است. زیرا به محض اینکه واحدهای تحلیل مشخص می‌شوند، تجسم نقش پیدا می‌کند.

مفهوم نقش را می‌توان مشخص‌کنندهٔ هنجارهایی تعریف کرد که دارندهٔ یک نقش ملزم به رعایت آن است. در مقابل کنش متقابل کارکردی، نظام کنش متقابل وابستگی قرار می‌گیرد. به کارگیری این مفهوم از طرف بودون بر اساس توجه به نظام‌های فوق سازمانی است. این دو نظام تیپ ایده‌آل هستند. ذکر این نکته ضروری است که در پاره‌ای موارد به دشواری می‌توان تعیین کرد که یک نظام کنش متقابل را باید یک نظام کارکردی یا یک نظام وابستگی متقابل دانست، بلکه تنها به تمایل بیشتر یک نظام کنش متقابل به هر یک از دو نوع باید توجه شود.

در تمایز نظام کنش متقابل کارکردی و نظام کنش متقابل وابستگی بجا است که از «بازیگر فردی» «کنشگر»^(۵) در نظام‌های کارکردی و از «کارگزار فردی» در نظام‌های وابستگی متقابل، استفاده شود که هر دو مفهوم همبستهٔ نظریهٔ جامعه‌شناختی هستند. واژهٔ «کارگزار»^(۶) به روشنی حامل کنش فردی را بدون ارجاع به مقولهٔ نقش‌ها مشخص می‌کند. کارگزار اجتماعی در تقابل «انسان جامعه‌شناختی» و «انسان اقتصادی» شکل می‌گیرد. انسان جامعه‌شناختی خصوصیتی نسبت به انسان اقتصادی دارد. انسان جامعه‌شناختی یا «کارگزار اجتماعی» در برابر یک انتخاب، در برخی حالات ممکن است نه آن شقی را که ترجیح می‌دهد، بلکه آن شقی که «عادت» یا ارزش‌هایی را درونی کرده است و به طور کلی، مشروط‌شدگی‌های گوناگون (اخلاقی، معرفتی، رفتاری) به او القا می‌کنند، برگزیند. همچنین کارگزار اجتماعی

1. ú Interaction- Systems

2. ú Functional - System

3. ú Interdependence - System

4. ú Role

5. ú Actor

6. ú Agent

کنشی را انتخاب می‌کند که ترجیح می‌دهد به وسیله آن‌ها به هدف مورد نظر برسد یا گاهی کنشی را انتخاب می‌کند که احتمالاً^۱ به نتایج اسف‌انگیز منجر می‌شود. بده بستان بین نتایج کوتاه مدت و بلند مدت نیز از نکاتی است که در کنش کارگزار اجتماعی می‌توان مورد توجه قرار داد. بدین ترتیب حتی زمانی که کارگزار اجتماعی از نتایج بلندمدت کنش‌های امروزی خود به روشنی آگاهی دارد باز هم منابعی در اختیار دارد که آنها را به واسطه نامطمئن بودن آینده توجیه کند. گاهی یک انتخاب بر اساس «اقتدا» صورت می‌گیرد. زمانی کارگزار اجتماعی بین دو گزینه هم وزن قرار می‌گیرد. در این جا انتخاب دیگر جنبه عقلانی ندارد؛ مخصوصاً اگر با اقتدا دست به انتخاب بزند، یک عمل «شبه عقلایی» انجام داده است.

از ویژگی‌های نظام وابستگی متقابل این است که کارگزاران نظام با خصوصیتی که ذکر شد، مصدر کنش‌هایی هستند که موجب تکوین پدیده‌های جمعی می‌شوند، که بدین عنوان خواسته این کارگزاران نبوده است، پیدایش این پدیده جمعی «آثار تجمعی» یا «آثار منتجه»^(۱) نامیده می‌شود که از وابستگی متقابل کارگزاران اجتماعی شکل می‌گیرد و اگرچه در نظام کنش متقابل کارکردی هم قابل مشاهده‌اند اما وسعت این آثار در نظام کنش متقابل وابستگی بیشتر است. بر اساس آنچه درباره نظام کنش متقابل وابستگی عنوان شد هرگز نباید در صدد تدوین گزاره‌ای فراگیر درباره نظام‌های وابستگی متقابل برآمد.

آثار منتجه به صور گوناگون ظاهر می‌شوند. برخی به شکل «اثرات تشدیدکنندگی» بدین معنی که کارگزاران اجتماعی می‌توانند نقش همدیگر را تشدید و تقویت کنند. «اثرات معکوس» بر یک عمل که برای نیل به هدف خاص صورت گرفته اما نتیجه‌ای کاملاً برعکس هدف به دست می‌آید، دلالت دارد. تضاد بین اهداف کوتاه مدت و بلندمدت به «آثار تضاد» تعبیر می‌شود. در نظام کنش متقابل وابستگی پیدایش پدیده‌های بی‌سابقه که انتظار آن نمی‌رود به عنوان «نوآوری‌های اجتماعی» شناخته می‌شود. «تثبیت‌کنندگی» دسته‌ای دیگر از آثار منتجه هستند و به زمانی که کنش‌های کارگزاران از یک وضعیت برخوردار به یک وضعیت همکاری مبدل می‌شود، اطلاق می‌شود.

1. ú Emergent - Effects

تبیین جامعه‌شناختی نقش ایدئولوژی ❖ ۷

آثار منتجه برای جامعه گاه به صورت آثار مطلوب و گاه نامطلوب عمل می‌کنند. آثار منتجه نامطلوب می‌توانند مانند اثرات «سرخوردگی» و «محرومیّت» وضعیت‌های توأم با تنش و بحران ایجاد کنند؛ این آثار دلالت بر یک انتخاب بین دو حزب سیاسی دارد که رأی دهندگان بدون آنکه با هیچ یک کاملاً موافق باشند آنچه را که به خواستشان نزدیک‌تر است انتخاب می‌کنند. در اینجا حزبی که رأی آورده صاحب قدرتی می‌شود که سیاست خود را به رأی دهندگان تحمیل کند. رأی دهندگان سعی می‌کنند خط‌مشی حزب انتخابی را تغییر دهند ولی چون در برابر سازمانی که مدعی نمایندگی منافع آنها است در وضعیت یک گروه عظیم سازمان نیافته هستند، ناموفق عمل می‌کنند. این حزب انتخابی باید آن گونه عمل کند که فشار تحمیلی را به حدی نرساند که رأی دهندگانش به سمت حزب مقابل گرایش پیدا کنند. آثار «متباعد» و «خنثی‌کنندگی» نیز دارای اهمیت هستند. اثرات خنثی‌کنندگی بر آن دلالت دارد که در جهت منظوری در جامعه شروع می‌شود و در نتیجه خود را خنثی می‌کند. در مورد آثار متباعد می‌توان عنوان کرد که در نظام کنش متقابل وابستگی یک اثر تورمی وجود دارد که بر عدم بسط نامحدود آن دلالت دارد که در آستانه معینی حامل انگیزش‌هایی برای دگرگونی خواهد بود.

فهرست آثار منتجه را می‌توان طولانی‌تر کرده یا منظم‌تر نمود و در قالب طبقه‌بندی کامل‌تری ارائه داد. نظام وابستگی متقابل می‌تواند اثرات منتجه کثیری داشته باشد که همه آنها از لحاظ اجتماعی با اهمیت‌اند.

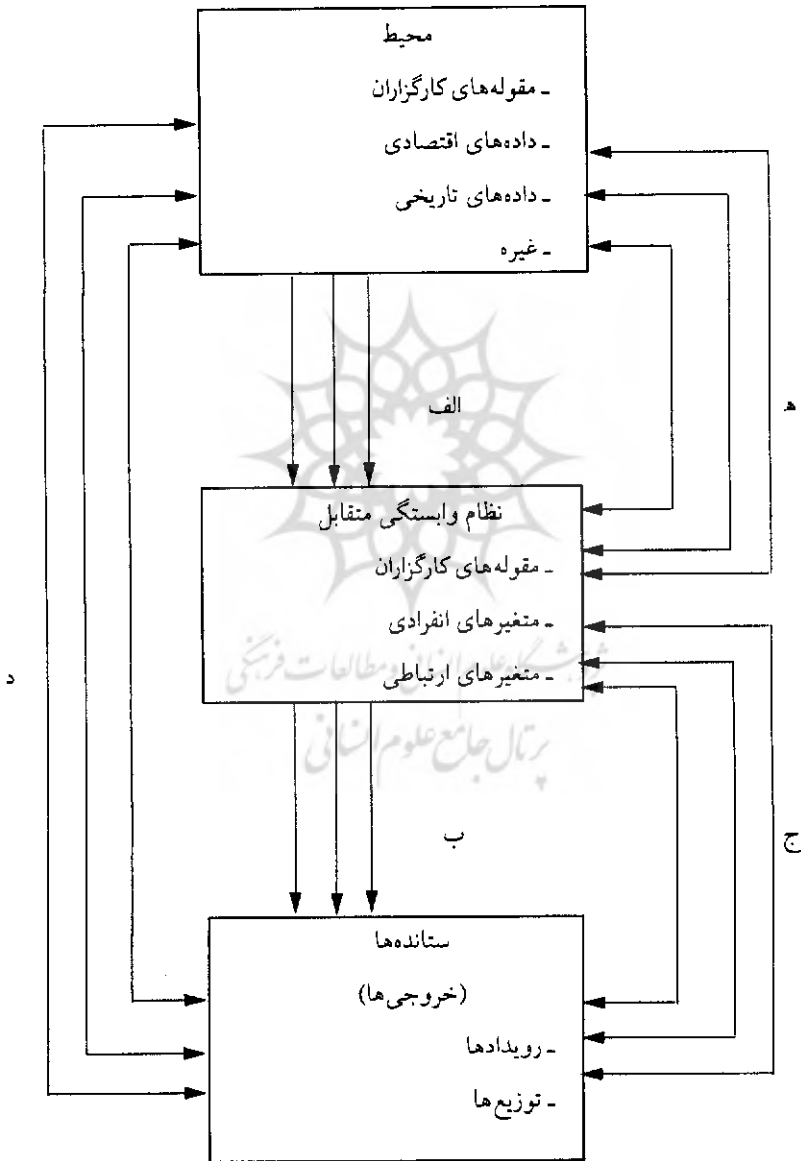
الگوی دگرگونی اجتماعی با توجه به مفاهیم ذکر شده بدین صورت شکل می‌گیرد. عناصر اساسی فرآیندهای دگرگونی اجتماعی شامل:

۱ - نظام کنش متقابل

۲ - محیط

۳ - ستانده‌ها (خروجی)

در واقعیت این سه عنصر از هم جدا نیستند ولی از هم جدا فرض شده‌اند. کلیه روابطی که می‌توانند بین این عناصر وجود داشته باشد در نمودار زیر به نمایش گذاشته شده است.



نمودار ۱: عناصر اصلی فرآیند دگرگونی اجتماعی و روابط ممکن بین آن‌ها (بودون، ۱۳۶۴، ص ۱۵۴)
 شاخص تمییز فرآیندها مبتنی بر وجود و عدم روابط علی «برگشتی» است. بر اساس این

شاخص سه نوع فرآیند مطرح می‌شود:

۱- **فرآیند تکرار شونده یا باز تولید شونده:** فرآیندهای تکرار شونده فاقد اثر برگشتی هستند. از انواع این فرآیندها «انحصار» است که ساختی نسبتاً بسته از فعل و انفعال نقش را ارائه می‌دهد. در این حالت نظام کنش متقابل بیشتر گرایش به کارکردی با ساخت‌های نسبتاً بسته‌ای از فعل و انفعال نقش دارد. در این نوع فرآیند، انتخاب‌ها، رفتارها و ایستارها و احساسات کارگزاران قابل پیش‌بینی و تکرار شونده هستند. در اینجا از رابطه‌ها تنها الف و ب وجود دارد.

۲- **فرآیندهای تجمعی:** مجهز به مکانیسم اثرات برگشتی هستند که منحصرأ از ستانده‌ها به سوی نظام کنش متقابل عمل می‌کنند. این نوع فرآیند هیچ دگرگونی مستقیم یا غیرمستقیم در محیط ایجاد نمی‌کند. از گونه‌های فرعی مهم فرآیند تجمعی «فرآیندهای نوسانی» هستند. این فرآیندها بر اثر برگشتی خروجی‌ها (ستانده‌ها) بر روی نظام کنش متقابل شناخته می‌شود. اما انتظام مجدد نظام کنش متقابل روند نوسانی دارد [علاوه بر روابط الف و ب، ج هم عمل می‌کند] فرآیندهای نوسانی به فراوانی وقتی ظاهر می‌شوند که کارگزاران اجتماعی تصمیم‌هایشان را در شرایط نامطمئن به اجرا در می‌آورند، در این حالت کارگزاران غالباً گرایش دارند به اینکه اطلاعاتی را که برای زمان حال معتبرند به آینده تعمیم دهند. اگر همان مکانیسم آنگاه که آینده‌ی فردا به حال امروز مبدل شد تکرار شود، فرآیند روند نوسانی خواهد داشت.

۳- **فرآیندهای تبدل:** فرآیندهایی هستند که دارای اثر برگشتی (مستقیم و غیرمستقیم) بر روی محیط هستند [رابطه‌های. ه و د نیز وجود دارد] فرآیندهای تبدیلی انواعی از جمله «دعوت کننده» و «صدمه زننده» یا «تهاجم کننده» دارند. دعوت‌ها و تهاجم‌ها بر محیط، گاه در سطح هنجاری و گاه در سطح ارزشی صورت می‌گیرد؛ یک دعوت یا یک تهاجم آنگاه در سطح هنجاری هستند که می‌توانند با موازین و مقررات سازمان یا تجدید سازمان (تعریف یا بازتعریف نقش‌ها) حل و فصل شوند. آنها وقتی به سطح ارزش‌ها می‌رسند که دیگر جز با دگرگونی اصولی که راهنمای رفتار کارگزاران است، قابل حل نیستند.

چهارچوب نظری

در تبیین جامعه‌شناختی نقش ایدئولوژی در توسعه سیاسی ایران در دوران معاصر، چهارچوب مفهومی ارائه شده بر اساس تلفیق در سطح کلان - خرد و کنار هم نهادن عوامل تاریخی، ساختاری، نظام کنش متقابل و کنشگران شکل گرفته است.

در بحث توسعه سیاسی، الگوهای همبستگی و الگوهایی که به عوامل غیرسیاسی در شکل‌گیری توسعه سیاسی پرداخته‌اند دارای نارسایی‌هایی هستند و از آنجا که ما قصد استفاده از ابزار نظام کنش متقابل را در تبیین نظری توسعه سیاسی داریم لذا قلمرو تحلیل را حوزه سیاسی به عنوان متغیر اساسی و در واقع سازنده و مؤثر در فرآیند دگرگونی سیاسی در نظر می‌گیریم.

نظام سیاسی ایران دارای سه عنصر اساسی است که در واقعیت از هم جدایی‌ناپذیر و به شرح زیر می‌باشند: (نمودار ۱)

۱ - ساختار سیاسی ایران قبل از برخورد با اندیشه‌های نوین که «محیط» یا «ساختار سیاسی موجود» نظام سیاسی را شکل می‌دهد.

۲ - نظام کنش متقابل سیاسی که ناظر بر کارگزاران سیاسی اعم از روشنفکران و غیر روشنفکران و متغیرهای ارتباطی بین آنها است.

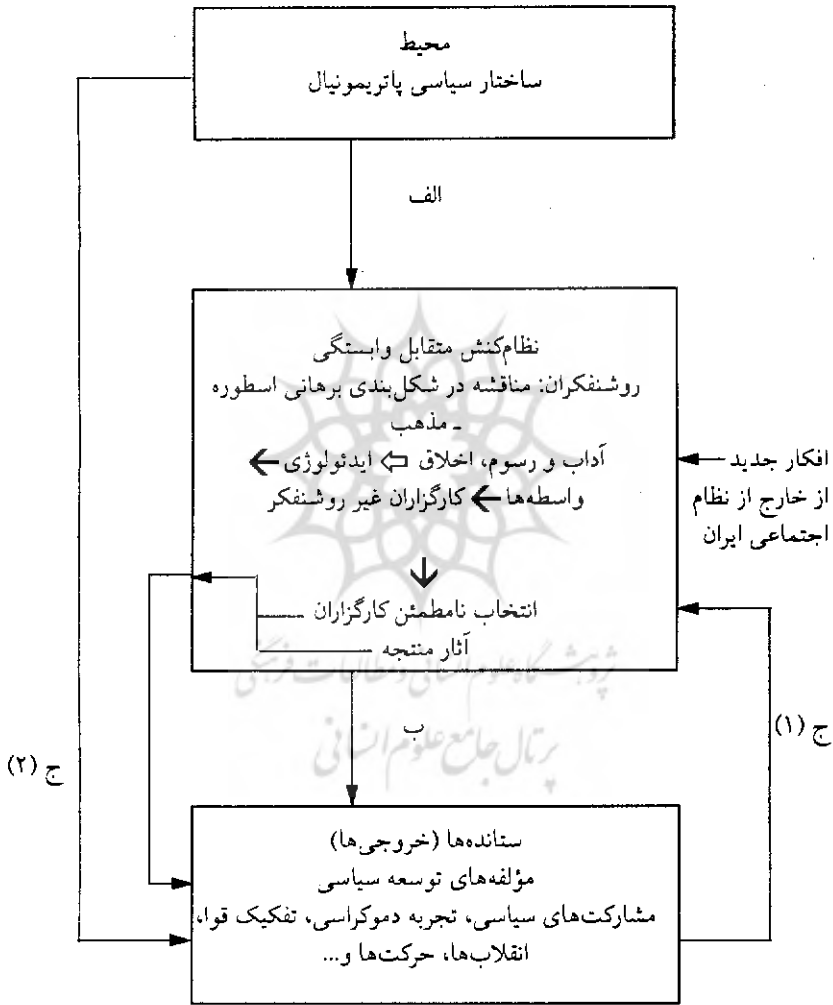
۳ - ستانده‌ها: کلیه مؤلفه‌های توسعه سیاسی را شامل می‌شود (مشارکت‌های سیاسی، تجربه دموکراسی، رقابت احزاب ... تا جنبش‌ها، حرکت‌ها و انقلاب‌های سیاسی).

انواع فرآیندهای دگرگونی که می‌توانند بر اساس رابطه سه عنصر مذکور وجود داشته باشند عبارتند از: تکرار شونده، تجمعی و تبدیلی. قبل از برخورد ایران با اندیشه‌های نوین و مطرح شدن ارزش‌های جدید، نظام سیاسی پاتریمونیال دارای نظام کنش متقابل کارکردی یعنی مبتنی بر نقش‌های تعریف شده است و تعریف نقش‌ها به وسیله ساختار سیاسی صورت می‌گیرد که در آن ارزش‌ها، هنجارها و نهادها کاملاً از طرف ساختار قدرت به وسیله فرهنگ و نهادهای سیاسی در نظام کنش متقابل سیاسی، هدایت می‌شود. بر اساس نظریه پاتریمونیالیسم ویر، فرآیند دگرگونی به شکل بسته انحصاری و بر اساس ساختار نسبتاً

تبیین جامعه‌شناختی نقش ایدئولوژی ❖ ۱۱

بسته‌ای از فعل و انفعال نقش‌های اطاعت و تابعیت سیاسی است. افکار نوین با خود ارزش‌های جدید علم‌گرایی، انسان‌گرایی، عقل‌گرایی، طبیعت‌گرایی، پیشرفت، سکولاریسم، پارلمنتاریسم و... که از دوران روشنگری در غرب شکل گرفته بود را وارد نظام کنش متقابل سیاسی می‌کند. روشنفکران شکل می‌گیرند و ایدئولوژی‌ها در پی به مناقشه کشیدن برهانهای اخلاقی، دینی، آداب و رسوم و اسطوره‌ها با محورهای روشنگری در صدد نزدیک کردن آنها به علم سیاست بر می‌آیند و بدین ترتیب با مطرح شدن نقش مشارکت سیاسی در مقابل تابعیت و اطاعت در نقش سیاسی موجود ابهام ایجاد می‌شود و به دنبال آن نظام کنش متقابل کارکردی به نظام وابستگی متقابل سیاسی گرایش می‌یابد و آثار متوجه ظاهر می‌شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار ۲: نظام‌کنش متقابل در تبیین نظری نقش ایدئولوژی در توسعه سیاسی ایران معاصر

کنشگران به کارگزاران سیاسی تغییر می‌یابند و در پی حضور معرفت عقلی در برابر معرفت اسطوره‌ای و دینی که ارزش تقدس حاکم و حکومت را به ابهام می‌کشد، نقش‌های مشارکت سیاسی مطرح می‌گردد، در نتیجه اعمال و انتخاب‌های کارگزاران سیاسی به حالتی

تبیین جامعه‌شناختی نقش ایدئولوژی ❖ ۱۳

نامطمئن شکل می‌گیرد حال آنکه مقاومتی که ساختار سیاسی موجود می‌کند نیز در نظام سیاسی کماکان ادامه می‌یابد.

به علت وجود نظام کنش متقابل وابستگی و آثار متوجه و انتخاب‌های نامطمئن کارگزاران سیاسی، فرآیندهای تبدل مذکور جای خود را به فرآیندهای تجمعی می‌دهند و آن فرآیندی که شکل غالب فرآیندهای دگرگونی را تشکیل می‌دهد، فرآیند تجمعی نوسانی است. در حرکت‌های ناخواسته کارگزاران، مؤلفه‌های توسعه سیاسی به شکل آثار متوجه مطلوب با حضور ایدئولوژی و «شرایط» اقتصادی-اجتماعی ظهور می‌یابند و در این شکل‌گیری نقش آثار متوجه چون تثبیت، متباعد، محرومیت و سرخوردگی و تشدیدکنندگی را نمی‌توان از نظر دور داشت.

مؤلفه‌های توسعه سیاسی برای ماندگاری باید به طور مستقیم یا غیرمستقیم ساختار سیاسی موجود را تحت تأثیر قرار دهند. در رهگذر غیرمستقیم برگشتی به نظام کنش متقابل وابستگی، با حضور کارگزارانی که کنش متقابل آنها نامطمئن بوده و حضور آثار متوجه نامطلوب چون محو آثار تثبیت، (تبدیل همکاری‌ها به برخورد مثل برخورد بین روحانیت و روشنفکران)، محرومیت و سرخوردگی از انتخاب قبلی، کنش متقابل سیاسی را به از بین بردن و مضمحل کردن دستاوردهایش سوق می‌دهد. مشارکت‌ها به عدم مشارکتها، دوری از صحنه سیاسی، برچیده شدن احزاب و تشکل‌ها و گروه‌های سیاسی، تغییر شکل انقلابات و حرکت‌ها و جنبش‌ها می‌انجامد و این با عدم حضور ایدئولوژی در نظام کنش متقابل سیاسی و شرایط اقتصادی-اجتماعی و ایستادگی ساختار سیاسی موجود عملی می‌گردد. پدیدار شدن «شرایط» اقتصادی-اجتماعی جهت برگشت ظهور مؤلفه‌های توسعه سیاسی و ظهور دوباره آثار متوجه مطلوب چون آثار تثبیت (همکاری روحانیت و روشنفکران) و تشدیدکنندگی و تقویت کنندگی (حرکت‌های اعتراض‌آمیز کارگزاران) و متباعد (دوران محدودیت‌ها و فشارها تا بی‌نهایت قابل بسط نیستند) و حضور ایدئولوژی در نظام کنش متقابل سیاسی، دوران دیگری از ظهور مؤلفه‌های توسعه سیاسی فراهم می‌گردد. در اثر برگشتی ستانده‌های مطلوب (مؤلفه‌های توسعه سیاسی) و شرایط تبدل در جهت

تغییر ساختار سیاسی، به علت سرعت و مستقیم بودن این تغییرات، تنها شکل ساختار قدرت سیاسی متفاوت می‌گردد (تهاجم بر محیط در سطح هنجاری) و نهادهای جدید سیاسی در کنار نهادهای کهنه می‌نشینند که این نهادهای جدید هنجارهای برخاسته از ارزش‌های نوین را به صورت نقش‌ها ارائه می‌کنند و نقش‌های مشارکت در نظام‌کنش متقابل جاری می‌شوند و باز هم در اینجا شاهد نقش‌های جدید در کنار نقش‌های تابعیت هستیم که «ابهام» در نقش‌های سیاسی، نظام‌کنش متقابل وابستگی را با ظهور آثار متوجه و امکان ظهور و افول مؤلفه‌های توسعه سیاسی روبرو می‌کند.

فرآیند تبدیل تهاجم بر محیط (ساختار سیاسی موجود) زمانی است که در نظام‌کنش متقابل وابستگی به علت حضور شرایط اقتصادی-اجتماعی، ایدئولوژی می‌تواند انتخاب نامطمئن را به نفع خود تغییر دهد ولی این نتیجه دوام نخواهد داشت. از آنجا که ظهور آثار متوجه نامطلوب، انتخاب‌های نامطمئن و «شرایط»، اثر ایدئولوژی را کم رنگ و افول مؤلفه‌های توسعه سیاسی و تبدیل فرآیند تبدیل را به تجمعی نوسانی مهیا می‌سازد.

فرآیند دعوت از محیط (ساختار سیاسی موجود) زمانی که ستانده‌ها (مؤلفه‌های توسعه سیاسی) در برگشت و تأثیرگذاری بر نظام‌کنش متقابل سیاسی به علت حضور آثار متوجه نامطلوب (چون محور آثار تثبیت، محرومیت و سرخوردگی و معکوس) همچنین عدم کارایی ایدئولوژی و انتخاب نامطمئن و شرایط اقتصادی-اجتماعی، ساختار سیاسی موجود با حضور پررنگ، شرایط محور مؤلفه‌های توسعه سیاسی را فراهم می‌کند. بدین صورت، با وجود ایدئولوژی‌ها در نظام‌کنش متقابل با توسعه سیاسی یا بهتر بگوییم ظهور مؤلفه‌های توسعه سیاسی روبرو هستیم اما حضور ساختار سیاسی پاتریمونیال سنتی و نظام‌کنش متقابل وابستگی با حضور کارگزاران سیاسی و آثار متوجه مطلوب و نامطلوب که گاه در نقش تقویت‌کننده و بازدارنده ظهور مؤلفه‌های توسعه سیاسی عمل می‌کند، این توسعه را نوسانی می‌گرداند.

در تبیین نظری، «ظهور مؤلفه‌های توسعه سیاسی» به جای توسعه سیاسی مورد استفاده قرار گرفته از آنجا که توسعه دارای پایداری و دوامی است که در چنین نظام سیاسی دیده

نمی‌شود و از سویی دیگر استفاده از «نوسان» به جای «تناوب» به این علت است که شدت و وسعت حضور مؤلفه‌های توسعه سیاسی یکسان نیست.

فرضیه‌ها

فرضیه اصلی این مقاله آن است که «با ظهور ایدئولوژی در جامعه ایران، توسعه سیاسی به شکل نوسانی در دوران (۱۳۰۴ - ۱۳۸۵ ه.ش) صورت گرفته است».

فرضیه اصلی بر اساس فرضیه‌های فرعی زیر به دست آمده است:

فرضیه فرعی ۱: شکل غالب کنش متقابل سیاسی در ایران، شکل کارکردی (پاتریمونیا) بر اساس ساختار نسبتاً بسته‌ای از فعل و انفعال نقش سیاسی تابعیت بوده است.

فرضیه فرعی ۲: پیدایش ایدئولوژی، ابهام در نقش سیاسی موجود را موجب می‌شود.

فرضیه فرعی ۳: ابهام در نقش سیاسی، موجب گرایش نظام کنش متقابل سیاسی به نوع «وابستگی» می‌گردد.

فرضیه فرعی ۴: نظام کنش متقابل سیاسی وابستگی، ظهور آثار منتجه را به دنبال دارد (که هم در جهت ظهور مؤلفه‌های توسعه سیاسی و هم افول آنها عمل می‌کند).

فرضیه فرعی ۵: ظهور آثار منتجه، توسعه سیاسی تجمعی نوسانی را موجب می‌شود.

تبیین فرضیه‌ها با مدل تبیین قیاسی - قانونی صورت می‌گیرد. چنانچه با قوانین کلی برگرفته از چهارچوب نظری، به دنبال «شروط وقوع» در واقعیت، در جهت تبیین تجربی فرضیه‌ها گام برداشته می‌شود.

روش

ترکیبی از روش تاریخی - تطبیقی و روش تفسیری (استنباطی) در تبیین تجربی مورد استفاده قرار گرفته است. بر اساس ماهیت موضوع که به رابطه‌یابی بین دو پدیده اجتماعی یعنی ایدئولوژی و توسعه سیاسی در محدوده زمانی ۱۳۰۴ - ۱۳۸۵ ه.ش می‌پردازد، روش تاریخی و تطبیقی امکان مطالعه و مقایسه تمام وقایع مربوط به این دو پدیده را به صورت

پیوستاری از حوادث امکان‌پذیر می‌کند.

«تفسیر»، روش دیگری جهت تبیین تجربی فرضیه‌های تحقیق بوده است که از آن، جهت فهم کنش جمعی و آثار منتجه استفاده شده است. صور منتجه اعم از تشدیدکنندگی و تقویت‌کنندگی، متباعد، سرخوردگی و محرومیت، تثبیت و خنثی‌کنندگی و غیره باید از وقایع اجتماعی و تاریخی استنباط شوند. تفسیر یعنی «درک تبیین‌گر» و یا «همدلی» ناظر بر بررسی اغراض و معتقدات و ارزش‌هایی که علت محتمل عمل‌اند و در مرتبه بعد عبارت از بررسی فراین مستقیم و غیرمستقیم له یا علیه صحت تفسیر است. لذا روش تفهم، بر فرآیند فرضیه‌سازی بنا می‌شود که شخص محقق ابتدا به ساختن فرضیه‌ای در باب حالت روحی فاعل دست می‌زند و سپس آن فرضیه را با رفتار و گفتار فاعل محک می‌زند.

تبیین تجربی

در نظام کنش متقابل کارکردی پاتریمونیال با فرآیند انحصاری که بر اساس ساختار نسبتاً بسته‌ای از فعل و انفعال نقش‌ها مبتنی است از آنجا که نظام سیاسی ایران قبل از برخورد با افکار جدید از نوع پاتریمونیال بوده است، نقش اطاعت و تابعیت نسبت به حکومت را ایجاد می‌کرده است. نقش تابعیت و اطاعت از ارزش تقدس حاکم که برخاسته از معرفت اسطوره‌ای و دینی بود شکل می‌گرفت.

دوره قاجار همانند دوره‌های پیشین، ساختار حکومت در هاله‌ای از تقدس با تکیه بر منابع مشروعیت که دینی و اسطوره‌ای بود، از قدرتی گسترده و مطلق برای شاه حمایت می‌کرد. چنانکه وظایفی چون اعلام جنگ، عقد صلح، واگذاری تیول، اعطای مناصب و تعیین مالیات برعهده وی بود. وی بالاترین مرجع قضایی کشور به شمار می‌آمد و در نهایت نسبت به مال و جان افراد کشور ادعا داشت.

ساختار قدرت که متشکل از دربار به مرکزیت شاه، رهبران قبایل و مالکان بزرگ بود به علت ساختار اقتصادی، جمعیتی، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه بدون دگرگونی بنیادی ادامه می‌یابد. جمعیت ایران بین ۶ تا ۱۲ میلیون نفر با امید زندگی کمتر از ۳۰ سال، میانگین

تبیین جامعه‌شناختی نقش ایدئولوژی ❖ ۱۷

سن حدود ۲۵ سال و میزان رشد جمعیت به دلیل مرگ و میر زیاد کودکان و نبود بهداشت و امور رفاهی، کمتر از ۷۵٪ بوده است. از نظر فعالیت‌های تولیدی و اشتغال، بیش از ۹۰ درصد مردم ایران به کارهای کشاورزی سنتی و ابتدایی و ۱۰ درصد بقیه به کارهای خرده‌فروشی، تجارت، صرافی، پیشه‌وری و خدمات دولتی - نظامی‌گری اشتغال داشتند. در این دوره بیش از ۹۵ درصد مردم بیسواد و گروهی بسیار کوچک از نعمت سواد برخوردار بودند. این گروه کوچک شامل درباریان، خوانین، مالکان، روحانیان و خانواده‌های وابسته به آنها بوده است. درآمد سرانه مردم ایران در این دوره کمتر از سی و پنج تومان و مزد کارگر ماهر که در کارگاه‌های صنعتی و دستی کار می‌کرد، ۱/۵ قران بوده است (سیف‌اللهی، ۱۳۷۴: ۵۱).

ساختار اجتماعی - طبقاتی مشتمل بر چهار طبقه نخبگان مرکزی و محلی، طبقه متوسط مرفه، مزدبگیران شهری و فرودست‌ترین طبقات شامل رعایا، ایلات و دهقانان (ابراهامیان، ۱۳۷۷: ۴۳) که در رأس آنها طبقه نخبگان مرکزی (شاهزادگان، درباریان و تیول‌داران و...) و نیز نخبگان محلی (اعیان و اشراف، میرزاهای موروثی لقب‌دار، مقام‌های مذهبی منصوب دولتی مانند امام جمعه و شیخ‌الاسلام‌ها و...) قرار داشتند که تداوم شیوه مستبدانه حکام و تابعیت کنشگران را موجب می‌گردید.

نظام سیاسی ایران یک نظام بسته با فرآیند دگرگونی تکرار شونده و نظام کنش متقابل سیاسی از نوع کارکردی پاتریمونیال بوده است. در این جامعه ایده اصلی، ایده حکومت که بدون تعارض عمل می‌کرده است و وجود ایده‌های مختلف جهت انتخاب امری منتفی تلقی می‌شود. «بش‌لر» عنوان می‌کند که دو عامل باعث مطرح شدن «انتخاب» می‌شود، یکی ارتباط و مراوده با دنیای خارج و آزاد گذاردن افراد برای کسب تجربه‌های تازه و نامرسوم و دیگر ماهیت رژیم (۱۳۷۱). در ایران قدرت ساختار سیاسی، پشتوانه فرهنگ سیاسی و نهادهای سیاسی آنگونه عمل می‌کرده که فقط «تابعیت» را گسترش می‌داده و انتخاب امری ناشناخته بوده است. بحث ارتباط با دنیای خارج لزوماً باب «انتخاب» را در فرهنگ سیاسی نمی‌گشاید، بلکه اگر این ارتباط تجربه‌های تازه و نامرسوم و جدید را وارد جامعه کند این

باب باز خواهد شد و اگر این ارتباط به «برخورد» با فرهنگ سنتی جامعه باشد می‌تواند ابهام در نقش سیاسی را فراهم کند.

طی پنجاه و اندی سال (۱۲۹۳-۱۲۴۹م) در اروپا تکان‌های سختی در پی اندیشه تجدد با درونمایه عقل‌گرایی، اومانیسیم، لیبرالیسم، فردگرایی، آزادی، برابری، کارگزاری تاریخی انسان و اصل ترقی و پیشرفت بی حد و حصر که در مقابل سنت مطرح شد پدیدار گردید و داستان‌های تاریخی بی‌مانندی از انقلاب فرانسه و پیدایش ناپلئون و جنگ‌های پیاپی آن و جنبش توده‌ها و پیشرفت فن جنگ و پدید آمدن افزارهای نوین، به تشکیل دولت‌های بزرگ و نیرومندی منجر شد و «دو دولت نیرومند و بزرگ و بیدار، یکی در شمال ایران و دیگری در جنوب آن پیدا شده و ایران ناتوان و ناآگاه در میان آن ماند» (کسروی، ص ۱۳۵۹: ۷).

با تفکر تجدد، غرب تغییر ماهیتی داد که موازنه قدرت با ایران را نه تنها زیر سؤال برد بلکه ارتباط همتراز را به برخورد تبدیل کرد و این حالت را می‌توان در دیپلماسی دوران قاجار مجسم کرد که با اعطای امتیازهای سنگین به دول اروپایی این «برخورد» به شکل ضعف و ناتوانی ایران متجلی شد. عهدنامه‌های «ترکمنچای» و «گلستان» دلایل شکل‌گیری اندیشه بازسازی نظامی و تأسیس ارتش مدرن را نزد عباس میرزا شکل داد و «ایران در سیر تحول جدید فکری و اجتماعی خود تا نهضت مشروطه چند جهش تاریخی داشت: آغاز اصلاحات یا دوره عباس میرزا، اصلاحات مضبوط همه‌جانبه یا عصر میرزاتقی خان، در تلاش ترقی یا برزخ تاریخی، تحرک تجددی و ترقی یا عصر سپهسالار، تکوین ایدئولوژی جنبش ملی مشروطیت» (آدمیت، ۱۳۵۶، ص ۱۳).

پس از برخورد ایران با غرب متجدد در سطح نظامی و سیاسی و سپس در عرصه فکری تعدادی از روشنفکران نوگرا در ایران به وجود آمدند که شعار اصلی آنها ایجاد تغییرات در بسیاری از عرصه‌ها بود. این روشنفکران بودند که ایدئولوژی را مطرح کردند که مبتنی بر شک و تردید نسبت به عقاید سنتی بوده است. و افرادی که به ایده‌های جدید حساس بودند با وجود شرایطی که بر انحطاط اقتصادی دلالت داشت، با به مناقشه کشیدن آداب و رسوم، اخلاق، مذهب و سنت و اسطوره و نزدیک کردن آنها به عقل و علم مبادرت به شکل‌دهی

ایدئولوژی‌ها کردند. در این زمان که دولت قاجار ساختار اقتصادی رو به انحطاط را در کنار تجدیدطلبی تجربه می‌کرد، در نظام سیاسی، کنش متقابل سیاسی کارکردی که مبتنی بر فعل و انفعال نسبتاً بسته‌ای از نقش اطاعت و فرمانبری بر اساس ارزش تقدس حاکم و حکومت بود، به علت حضور ارزش‌هایی چون فردگرایی، انسان‌گرایی، علم‌گرایی، ابهام در نقش سیاسی موجود را فراهم کرد و نظام کنش متقابل سیاسی با حضور دو دسته از ارزش‌های برخاسته از معرفت‌های دینی، اسطوره‌ای و ایدئولوژیک به «وابستگی» میل کرد. نظام کنش متقابل وابستگی با ویژگی آثار منتجه که تحت تأثیر شرایط اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و جهانی ظهور می‌یابند گاه در جهت حضور روشنفکران و ایدئولوژی در توسعه سیاسی گام برمی‌داشتند و زمانی این شرایط باعث عقب‌نشینی روشنفکران و ایدئولوژی به نفع استیلای فرهنگ سیاسی پیش از دوران معاصر و افول مؤلفه‌های توسعه سیاسی، عمل می‌کردند.

ظهور مؤلفه‌های توسعه سیاسی (۱۲۸۵ هـ ق)

۱- شرایط اقتصادی - اجتماعی

در مورد شرایط اقتصادی - اجتماعی ایران در این دوران احکام زیر قابل عنوان است: الف) ایران جامعه‌ای فئودالی نبود؛ ب) در طول قرن سیزدهم / نوزدهم، پیشرفت صنعتی و فنی در تولید ناچیز بود؛ پ) شواهدی که از افزایش منظم درآمد سرانه حکایت کند، ناچیز است یا اصلاً نیست؛ ت) جابجایی منابع از تولید مواد غذایی و صنایع دستی به سوی سایر رشته‌ها، صورت گرفت؛ ث) این تغییر ساختاری به رشد بازدهی در کشاورزی و پیشرفت فنی در صنعت نیانجامید اما به واردات بیشتر غذا و ماشین‌آلات منجر شد؛ ج) تورم و کسری تراز پرداخت‌های فزاینده‌ای وجود داشت (کاتوزیان، ۱۳۷۳، ص ۹۹). سفرهای پرهزینه و تجملی شاه و همراهان به فرنگ، نیاز به استقراض خارجی در این رابطه، ناآرامی شهرها بر اثر افزایش بی‌رویه قیمت نان، حکومت خودسرانه حکام ولایات و ایالت‌ها که با اخاذی و زورگویی همراه بود و سرانجام برکناری امین‌السلطان و انتصاب عین‌الدوله به جای وی، تورم اقتصادی در ایالت‌های شمال کشور، بیکاری، بحران اقتصادی، تجدیدنظر دولت در

مقررات گمرکی در سال ۱۹۰۳ به نفع واردکنندگان کالاهای روسی و استفاده از بلژیکی‌ها در اداره گمرک از ۱۸۹۹ م / ۱۲۷۸ ه. ش به بعد و سپردن اداره گمرک به ژوزف نوز بلژیکی، نارضایتی شدید بازرگانان ایرانی را برانگیخت، تا سال ۱۹۰۵ م / ۱۲۸۴ ه. ش مقرر می‌شود سه ساله بعضی از روحانیون پرداخت نشده بود و دولت در نظر داشت کنترل بیشتری بر املاک وقفی اعمال کند (فوران، ۱۳۷۷، ص ۲۶۰).

با وضعیت جهان در این دوران و جنبش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از جمله جنبش‌های مشروطه‌خواهی، ملت‌گرایی و استقلال‌جویی در اروپای نیمه دوم سده ۱۹ که به اوج خود رسید و ملت‌های گوناگونی را درگیر ساخت، ایران با موقعیت جغرافیایی و سیاسی و اقتصادی که داشت نمی‌توانست در انزوا بماند و شالوده‌ریزی رژیم مشروطه در آن هنگام ویژه، یک رویداد منطقی به شمار می‌آمد.

۲- طیف افکار پیش از مشروطیت

آرایش طیف افکار را چنین می‌توان تصور کرد: طیف اول، آزاداندیشی و آزادخواهی و اقتباس از غرب بود با مشخصات: حقوق طبیعی انسان، حکومت انسان، حکومت عرفی و سکولار، قانونگذاری بشری، شخصی بودن دین. در این طیف بعضی مانند میرزا آقاخان کرمانی علم‌گرا بودند. برخی مانند آخوندزاده، ملی‌گرا (با ایده برگشت به قبل از اسلام) و بعضی مانند طالبوف یا میرزا ملکم‌خان قانون‌گرا و تجددگرا بودند. روشنفکران این طیف فکری، مشروطیت و سکولاریسم و ناسیونالیسم را ابزاری کلیدی برای ساختن جامعه‌ای نوین، قدرتمند و توسعه‌یافته به شمار می‌آوردند.

طیف دوم: نواندیشی دینی (بازتاب‌های جریان احیا و اصلاح نواندیشی دینی و افکار و روحانیت جدید اسلامی) بودند. نوگرایی دینی، روایت جدیدی از اسلام دارد و دین روایت بازخوانی متن قرآن را با توجه به دردها و نیازهای این عصر در نظر می‌گیرد. عصری که در آن همه تقدس‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌های دینی به چالش بزرگ فراخوانده شده‌اند. مقولاتی که روشنفکر دینی به آن می‌اندیشد عبارتند از: (۱- ایمان: ایمان رأس هرم روشنفکری مذهبی است. منظور از ایمان باور قلبی به راز و حقیقتی در این هستی است. ایمان یک روشنفکر

تبیین جامعه‌شناختی نقش ایدئولوژی ❖ ۲۱

مذهبی به فردیت انسانی او مربوط می‌شود. وی در تجربه ایمانی، با ذات هستی بیکران انس و وداد می‌یابد. او خدا را ذره ذره یاد گرفته و باور کرده است. ایمان او صرف احساس نیست فحوای معرفتی دارد و برایش جهان‌بینی به دست می‌دهد. ۲- ایدئولوژی: منظور همان واپسین ایده‌ها و آرمان‌ها و باید و نبایدهای مورد اعتقاد و دل بستگی روشنفکران است مانند عدالت، آزادی، کرامت و... روشنفکر مذهبی از سرمایه ایمان و معنویت برای اصول و آرمان‌های ایدئولوژیک خرج می‌کند (فراستخواه، ۱۳۷۷، ص ۲۰۱-۱۹۸) حرکت نوگرایی دینی از متفکران سنی آغاز شد و آنگاه امواج آن به عالمان و روشنفکران شیعی سرایت یافت. یکی از اصول مورد تأکید تمامی نوگرایان اسلامی «احیای اجتهاد» بوده و هست. «نظریه اجتهاد که به وسیله پیشگامانی چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده و پیروانشان مانند محمد اقبال لاهوری طرح شد عمدتاً به دلیل مواجهه با غرب و به انگیزه گره‌گشایی از مشکلات نوین بود (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۲، ص ۱۰۳).

طیف سوم: اصول‌گرایی و مشروطه‌خواهی به عنوان «دیدگاه سنتی با موضع نفی مطلق و دفاع از سیر پیشین بر نظریه ثنوی ولایت، انتصاب فقیهان در امور حسبیه (شرعیات) و سلطنت مسلمان ذی شوکت در عرفیات به عنوان «حکومت مشروعه» پافشاری دارد (کدیور، ۱۳۷۶، ص ۲۰) نوشته‌های شیخ فضل‌الله نوری در دفاع از اندیشه‌های سیاسی سنتی شیعی نوشته شد.

۳- ظهور آثار منتجه مطلوب

آثار متباعد: شرایط نامطلوب با بحران اقتصادی اوایل ۱۲۸۴ / ۱۹۰۴، ظهور آثار منتجه را به نفع شکل‌گیری انقلاب و ظهور مؤلفه‌های توسعه سیاسی مهیا ساخت. برداشت بد محصول در سراسر کشور و افول ناگهانی تجارت در مناطق شمالی به دلیل جنگ روس و ژاپن و پس از آن انقلاب روسیه، به افزایش سریع قیمت مواد غذایی در ایران منجر شد. در سه ماهه اول ۱۲۸۴ / ۱۹۰۵، قیمت قند و شکر ۳۳ درصد و گندم ۹۰ درصد در تهران، تبریز، رشت و مشهد بالا رفت. در این هنگام که درآمدهای حاصل از گمرکات در حال کاهش و قیمت مواد غذایی در حال افزایش بود و درخواست وام‌های جدید رد می‌شد، دولت تعرفه‌های وضع

شده بر تجار داخلی را افزایش داد و بازپرداخت وام اعتبار دهندگان محلی را به تعویق انداخت. این بحران اقتصادی بلافاصله موجب سه اعتراض عمومی شد که هر یک شدیدتر از دیگری بود و سرانجام به انقلاب مرداد ۱۲۸۵ ه. ش در آگوست ۱۹۰۶ م منجر شد (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۱۰۴).

شرایط نامناسب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نمی‌توانست تا بی‌نهایت بسط یابد و بالاخره آثار متباعد ظاهر گردیدند. از سوی دیگر طیف‌های مختلف و گاه متضاد اندیشه نیز به همکاری و همراهی مبدل گردید و آثار تثبیت ظاهر شد.

آثار تثبیت: گروه‌هایی که در انقلاب مشروطه نقش مهمی داشتند عبارت بودند از: ۱- مرکز غیبی، ۲- حزب اجتماعيون عاميون، ۳- مجمع آدمیت، ۴- کمیته انقلابی و ۵- انجمن مخفی. در حالی که دو سازمان غیبی و حزب اجتماعيون تحت تأثیر سوسیالیسم انقلابی مارکسیسم روسی قرار داشت، مجمع آدمیت تهران از پوزیتیویسم رادیکال سن‌سیمون و اومانيسم لیبرال آگوست کنت الهام گرفته بود. در حالی که کمیته انقلابی، مجمع آدمیت، حزب اجتماعيون و مرکز غیبی توسط اعضای طبقه جدید روشنفکران تشکیل شده بود، بیشتر اعضای انجمن مخفی از طبقه متوسط سنتی بودند. چنانکه اعضای انجمن طبق نظام‌نامه‌ای به قرآن سوگند خورده بودند که به رازداری، مخالفت با ظلم، احترام به علما، برپایی نماز در پایان هر جلسه و پذیرش حضور مهدی (عج) به عنوان تنها حامی جامعه پایبند باشند. خواسته‌های این گروه عبارت بود از تدوین مجموعه قوانین ملی و تأسیس عدالتخانه، بررسی موضوع زمین‌های زراعی، ایجاد نظام مالیاتی عادلانه، اجرای اصلاحات در ارتش، وضع مقرراتی برای نصب و عزل حکمرانان ایالتی، تشویق بازرگانان داخلی، تأسیس مدارس، سازماندهی مجدد گمرک، تجدید قدرت مجریان دولت، بازرسی حقوقی و مستمری‌های دولتی و اجرای قوانین شرع مقدس. انجمن مخفی ضمن تدوین یک برنامه با دو تن از سه مجتهد برجسته پایتخت، سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی نیز ارتباط برقرار کرد. همانطور که کمیته انقلابی علی‌رغم غیرمذهبی بودن به علت نفوذ مراجع مذهبی بر مردم به جلب حمایت آنها پرداخت.

آثار تثبیت با حضور آثار تشدیدکنندگی و تقویت‌کنندگی به شکل اعتراض‌ها، تظاهرات و مخالفت‌ها یکی پس از دیگری در شهرهای مختلف از مراسم عزاداری ماه محرم تا اعتراض به، فلک‌شدن دو تن از تجار سرشناس شکر، تحصن هزار نفر روحانی به رهبری سیدمحمد طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی، تحصن جماعتی از بازرگانان، صنعتگران، روحانیان و طلبه‌ها در باغ و حیات سفارت بریتانیا، بالاخره مظفرالدین شاه را مجبور به امضا کردن اعلامیه تشکیل مجلس شورای ملی کرد. با به وقوع پیوستن مشروطه، فرآیند تبدل (دگرگونی) تهاجم بر محیط در سطح ارزش‌ها صورت گرفت.

۴- ظهور مؤلفه‌های توسعه سیاسی (آثار مطلوب)

با پیروزی انقلاب ۱۲۸۵ ه. ش و استقرار نظام مشروطه به جای نظام استبدادی پیشین، مؤلفه‌های توسعه سیاسی از قبیل مشارکت سیاسی، کثرت‌گرایی، پارلمانتاریسم و مجلس، انتخابات و نظام نمایندگی، تفکیک قوا، احزاب سیاسی، شوراها، سندیکاها، اتحادیه‌های صنفی مستقل، انجمن‌های محلی مردمی، مطبوعات غیردولتی و سایر ابزارها و نمودهای آزادی‌های فردی و جمعی و فعالیت‌های سیاسی و حزبی و مظاهر دموکراسی بروز و ظهور یافت. قانون اساسی و متمم آن، تجلی این آزادی‌ها و فعالیت‌های مشارکت‌جویانه، کثرت‌گرایانه و دموکراتیک بود و تدوین و اعمال آن در حقیقت بیانگر تحقق توسعه سیاسی موصوف به شمار می‌آمد. تضمین این آزادی‌های فردی و عمومی و حقوقی و امتیازات مکتسب را در اصل نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم و بیست و دوم و سوم، شانزدهم و هفدهم، هجدهم، بیست و بیست و یکم متمم قانون اساسی می‌توان مشاهده کرد (رحیمی، ۱۳۴۷، ص ۲۶۱ - ۲۵۴).

حضور و مشارکت سیاسی و اجتماعی مردمی که در دموکراسی و کثرت‌گرایی این دوره از توسعه‌یافتگی سیاسی تجلی یافت، از همان آغاز در قالب انقلاب مشروطه متجلی بود. نیکی کدی بر عمق و مشارکت توده‌ای در انقلاب ایران (مشروطه) تأکید می‌ورزد (1980, P 741) از آغاز دوره ظهور آثار مطلوب نهاد مستقل و مقتدر قوه مقننه در قالب مجلس شورا به منزله مظهر تجلی مشارکت سیاسی آحاد و گروه‌های مردم و نقش‌آفرینی در فرآیند

کنش‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی از جمله تأثیر بر روند اداره و اجرای امور، توازن قوا با قوه مجریه ظهور کرد. مسئولیت قوه اجرائیه در برابر قوه تقنینیه در واقع بخشی از محدودیت هر یک از قوا با دو قوه دیگر بود. هدف از تفکیک قوای سه‌گانه مندرج در اصل ۲۶ تا ۲۹ متمم قانون اساسی در آن بود که قدرت قوای سه‌گانه به اندازه‌ای محدود شود که نهایتاً هیچ قوه‌ای نتواند نیرومندتر از دو قوه دیگر شود (آوری، ۱۳۶۳، ص ۲۵۸).

شکل‌گیری قوای سه‌گانه از جمله تشکیل مجلس و نظام انتخاباتی با همزاد و همراه این دموکراسی پارلمانی یعنی تحزیب و تکوین احزاب سیاسی در درون و بیرون مجلس توأم بود و انجمن‌های مخفی و مجامع سری که در پیدایش این انقلاب سهم بودند به تدریج به صورت احزاب سیاسی رسمی و قانونی درآمدند. اجتماع‌یون اعتدالیون (اعتدالی)، اجتماع‌یون عامیون (دموکرات) اتفاق و ترقی، ترقیخواهان، اجتماع‌یون اتحادیون ایران (سوسیالیست اوئیغیه)، اصلاح‌یون عامیون، دانشناکسوتیون، سوسیال دموکرات ایران (هنچاکیان)، عدالت کمونیست ایران، سوسیالیست و اصلاح طلب (نظام مافی، ۱۳۶۱، مقدمه و صفحات مختلف متن) از جمله احزاب این دوران بودند. شکل‌گیری انجمن‌ها از جمله اصفهانی‌ها، شیرازی‌ها، جنوب، آذربایجان، طلاب، اصناف، شاهزادگان، ورامین، همت‌آباد، فتوت، آل محمد، اسلامی، سنگلج، خدمت (یا اکابر یا علما)، مرکزی، انصار، برادران دروازه قزوین و شاه‌آباد، مظفری، مجاهدین، سادات و فاطمیه (اتحادیه، ۱۳۶۱، ص ۱۶۱-۱۵۱) و به موازات آنها کلوبهای سیاسی، اتحادیه‌های صنفی و کشاورزی و جمعیت‌های دیگر تشکیل شدند.

رشد بی‌سابقه مطبوعات را در رقم صد و پنجاه روزنامه منتشره در این دوران می‌توان دید (الموتی، ۱۳۷۰، ص ۴۴). علاوه بر کثرت و استقلال مطبوعات برگسترش دامنه انتشار گسترده آنها در سطح کشور نیز می‌توان اشاره کرد.

حضور و مشارکت فعالانه، آزادانه و مستقل اقدار گوناگون از جمله زنان در حیات سیاسی و اجتماعی، آموزشی و فرهنگی جامعه قابل ذکر است در این دوره، زنان مبادرت به طرح خواسته‌های ویژه خود کردند و علاوه بر تأسیس مدارس و احزاب زنانه، به انتشار

نشریات زنانه مبادرت ورزیدند به طوری که حضور مستقل زنان آنچنان که در انقلاب مشروطه مشاهده می‌شد در کمتر دوره‌ای دیده شده (ستوده، ۱۳۷۰، ص ۱۱۷).

افول مؤلفه‌های توسعه سیاسی (۱۳۰۴ ه. ش)

۱- شرایط اقتصادی - اجتماعی

فروکش کردن شور و تب انقلابی، از پس آشفتگی سیاسی، در هم ریختگی اجتماعی، فقر اقتصادی، از هم گسیختگی وحدت ملی، دسته‌بندی‌های پارلمانی و دخالت‌های امپریالیستی، شکاف گسترده بین انتظارات ذهنی و دستاوردهای عملی رخ نمود. کشور آماده شرکت مؤثر و منظم در نظام جدید نبود. نظام، بسیاری از شیوه‌ها و عادات قدیم را در خود داشت. اوضاع اقتصادی به علل داخلی و خارجی بدتر می‌شد. استقلال بیشتر مناطق و ایالات به سرعت گسترش کینه‌های ایللیاتی و راهزنی سازمان‌یافته را در پی داشت و دخالت‌های آشکار و نهان قدرت‌های امپریالیستی گرایش‌های فوق را تشدید کرد و به دسته‌بندی میان نخبگان سیاسی جدید دامن زد.

جنگ جهانی اول واپسین ضربه بود که ایران بی‌طرفی را در مقابل متفقین انتخاب کرد اگرچه در این رابطه نظرات متفاوتی از طرف اقلیت رادیکال، گروه محافظه‌کار و اعتدالیون ابراز می‌شد. (کاتوزیان، ۱۳۷۳، ص ۱۱۱). در این دوران، دوره تغییرات مستمر (سریع یا کند) نبود، بلکه دوره زیر و رو شدن‌های نامنظم و نامتعادل ناشی از برخوردهای داخلی و خارجی بود. جمعیت به کندی افزایش یافت و از ۹ به ۱۱ میلیون نفر رسیده بود. بی‌آنکه توزیع آن بین مناطق روستایی و شهری (به ترتیب ۸۵ و ۱۵ درصد) تغییر کند. در سراسر این دوره تراز پرداخت‌ها دچار کسری مزمنی بود و پیوسته بر بدهی‌های خارجی افزوده می‌شد. نزدیک به ۹۰ درصد نیروی کار در کشاورزی و صنایع دستی روستایی اشتغال داشتند. توسعه راه‌ها، وسایل ارتباطی، بهداشت و سایر تسهیلات زیربنایی ناچیز بود و افزایش سرمایه‌گذاری در آموزش، صرفاً در مقایسه با سایر بخش‌های زیربنایی سریع‌تر بود. بودجه همواره کسری داشت و حکومت معمولاً در تأمین تعهدات مالی و بازپرداخت وام‌هایش

عاجز بود. با این همه نزدیک به ۵۰۰ درصد هزینه‌های دولتی به ارتش و سایر نیروهای امنیتی اختصاص داشت.

یک پدیده نو در اقتصاد ایران در دوره ۹۷-۱۳۸۰ ه. ش که در دهه‌های بعد تقریباً بر همه جنبه‌های اقتصادی سیاسی سایه افکند، اکتشاف، تولید و صدور نفت بود. در ۱۳۸۰ ه. ش به ازای ۲۰۰/۰۰۰ لیتره انگلیسی که از سال ۱۳۸۳ ه. ش پرداخت شد امتیازی برای اکتشاف و تولید نفت تا ۱۳۳۹ ه. ش به ویلیام داری و شرکایش واگذار شد که عملاً تا ۱۳۳۹ تمامی ایران به جز منطقه زیر نفوذ روسیه را در بر گرفت (کاتوزیان، ۱۳۷۳، ص ۱۱۲). آشوب داخلی و خارجی به ناامنی اجتماعی، اقتصادی و روانی انجامید.

۲- آثار منتجه نامطلوب

محو آثار تثبیت: تدوین متمم قانون اساسی و تعریف دقیق رابطه میان قوانین شرعی و حوزه‌های جداگانه‌شان، ائتلاف را از هم گسست و بنا اقدام شیخ فضل الله نوری میان روحانیت شکاف افتاد. همکاری‌ای که برای به ثمر رسیدن ائتلاف مشروطیت بین روشنفکران، پیشه‌وران، بازرگانان و روحانیون به منظور ایجاد جبهه واحد در برابر دولت شکل گرفته بود. حرکت شیخ فضل الله نوری که رهبران مشروطه را لامذهب، لاپابلی، بایی و مانند اینها خواند، سایر روحانیون برجسته را به مخالفت با وی کشاند. این حرکت سنتی ضد پارلمانی و مدافع اسلام به اعتراض سیصد روحانی تهرانی به اصول قانونی اساسی و متمم آن و بست نشینی آنان انجامید.

روحانیون ضد مشروطه انجمنی برپا کردند و در مخالفت با مجلس همدست محمدعلیشاه شدند، بعضی از این روحانیون مثل امام جمعه تهران، روابط مالی و خویشاوندی با دربار داشتند، عده‌ای هم می‌خواستند از حقوق قضایی خود دفاع کنند. جمعی نیز به عنوان زمینداران بزرگ در همدستی با شاه منافع مادی داشتند. شیخ فضل الله نوری انگیزه‌های شخصی نیز داشت، چون خود را از نظر دانش دینی برتر از بهبهانی و طباطبایی می‌دانست. اما انگیزه ایدئولوژیکی هم در کار بود و در برابر بدعت ناشایست (اندیشه‌های مشروطه‌خواهان غرب) دفاع از اسلام را وظیفه خود می‌شمرد (فوران، ۱۳۷۷، ص ۲۷۸).

رادیکال‌های بیرون از مجلس نیز مبارزه در راه اصلاحات غیردینی را آغاز کرده بودند. روزنامه صور اسرافیل با درج نخستین مقاله ضد روحانی در ایران با طرح موضوع کناره‌گیری روحانیون از سیاست و هجو آنان به عنوان اخاذی‌هایی که اهداف پلیدشان را با موعظه‌های عالی پنهان می‌کنند، جنجال بزرگی به پا کرد. حبل‌المتین نویسندگان قانون اساسی را به دلیل تأسیس کمیته عالی بررسی مشروعیت دینی قوانین مصوبه مجلس مورد تمسخر قرار داد. تأسیس یک مدرسه دخترانه و یک انجمن زنان توسط خانواده اسکندری نیز سر و صدایی بلند کرد چنانکه نمایندگان محافظه‌کار و برخی از میانه‌روها چنین سازمان‌هایی را الحادی، ضد اسلامی و نوعی بدعت دانستند.

سلطنت‌طلبان با جلب نظر شیخ فضل‌الله نوری به خیابان‌ها ریختند. شیخ فضل‌الله نوری با کمک به تشکیل سازمانی با عنوان انجمن محمد (ص) توسط امام جمعه تهران، از همه مسلمین صدیق خواست تا برای دفاع از شریعت در برابر مشروطه‌طلبان کافر در میدان توپخانه جمع شوند و بیشتر مردم به این تقاضا پاسخ مثبت دادند. این جمعیت از گروه‌های مختلف تشکیل شده بودند: روحانیون و طلاب بویژه از حوزه درس شیخ فضل‌الله، درباریان و مستخدمان به ویژه لوطی‌های مسلح، دهقانان اراضی سلطنتی ورامین، کارگران ساده و فقرای بازاری تهران و هزار تن از صنعت‌گران، قاطرچی‌ها، خدمتکاران و شاغلان رده پایین اقتصاد کوچک قصر سلطنتی (ابراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۱۲۰). شیخ فضل‌الله نوری در آن گردهمایی فکر برابری را بدعت خواند، بی‌ثباتی، تنزل اخلاقی و تنزل فکری را به نفوذ مخرب ملکم‌ارسنی بی‌دین نسبت داد و اعلام کرد که لیبرال‌های مجلس همانند ژاکوب‌های فرانسه به سوی سوسیالیسم، آنارشیزم و نهیلیسم می‌روند.

آثار سرخوردگی و محرومیت: شرایط اقتصادی و اجتماعی و خارجی زمینه را کاملاً برای حضور آثار سرخوردگی مهیا کرده بود و از سوی دیگر کارگزاران سیاسی نیز دچار سرخوردگی شده بودند. محصول جنبش مشروطه‌خواهی که از معرفت عقلی و ایدئولوژیک برخاسته بود، آن نبود که علما انتظار داشتند و یا تصور آن را می‌کردند زیرا تعارض ماهوی میان نظام شرعی مبتنی بر معرفت دینی و مشروطه همراه با سایر عوامل مثل

نفوذ مرتجعین و عوامل استعمار در حکومت جدید، اعدام شیخ فضل‌الله نوری، ترور بهبهانی و بی‌اثر شدن حضور مجتهدین در مجلس و بالاتر از آن آزادی قلم و فعالیت سیاسی و تبلیغاتی که جریان‌های سیاسی تجددگرا و حرکت‌های دنیوی‌گرا (سکولار) به دست آوردند و شکسته شدن پی در پی حریم‌های سنتی دین، روحانیت و مرجعیت، مجتهدین مشروطه‌خواه را مأیوس و سرخورده کرد و باعث شد که حتی علمای نوگرای طرفدار مشروطه همچون سیدمحمد طباطبایی، آخوند خراسانی و علامه نائینی ابراز ندامت کرده و دست از حمایت مشروطه بردارند. برای مثال، طباطبایی در پیامی که به تاریخ ۲۰ نوامبر سال ۱۹۰۷ به مجلس فرستاد می‌گوید: ما (علما) مشروطیت را که خودمان ندیده بودیم ولی آنچه شنیده بودیم و آنهایی که مملکت مشروطه را دیده به ما گفتند مشروطیت را در این مملکت برقرار نمودیم (آدمیت، ۱۳۵۵، ص ۲۲۶).

از طرفی اقدامات و اصول پیشنهادی روشنفکران در مورد یک بودجه سالانه دقیق، زمانی مطرح شده بود که چندین سال متوالی برداشت بد محصول و قیمت‌های روزافزون مواد غذایی همزمان آن بود.

مجلس از چندین جهت آماج حملات قرار گرفت، هم از طرف درباریان خشمگین و هم مردم شهر که به علت نایاب شدن نان، ناراضی شده بودند.

فرآیند تبدیل دعوت از محیط (ساختار سیاسی موجود) در سطح هنجاری: بر اساس شرایط اقتصادی و اجتماعی و روابط خارجی و به دنبال آن ظواهر آثار سرخوردگی و محور آثار تثبیت، شاه سرانجام در خرداد ۱۲۸۷ ه. ش دست به کار شد. بریگاد قزاق به فرماندهی کلنل لیاخوف روسی، مجلس را به توپ بست و پس از یک خونریزی شدید، مقاومت مشروطه‌خواهان را در هم شکست. ناظم‌الاسلام در کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» عنوان می‌کند که در زمان کودتا «عوام» با دربار همراه شدند. ملک‌الشعرای بهار هم که خود در انقلاب شرکت داشت سال‌ها بعد می‌نویسد در این جریان‌ات طبقه بالا و پایین از استبداد پشتیبانی می‌کردند، تنها طبقه متوسط به انقلاب وفادار ماند.

شاه به دنبال این کودتا، حکومت نظامی اعلام کرد. انجمن‌ها و گردهم‌آیی‌های عمومی از

جمله مراسم عزاداری را ممنوع ساخت. مجلس شورای ملی را منحل کرد و سی و نه تن از مخالفان را که موقق به فرار نشده بودند و یا به سفارت عثمانی پناه برده بودند بازداشت کرد که برخی از آنها به قتل رسیدند. بدین ترتیب ایدئولوژی مشروطیت با شکست روبرو شد و جای خود را به معرفت غالب قبل از ورود ایدئولوژی داد که خواهان تبعیت کنشگران سیاسی بود و مؤلفه‌های توسعه سیاسی یکی پس از دیگری از جامعه حذف و یا کم‌رنگ شدند.

نتیجه‌گیری

در پی ارائه یک تئوری که بتواند بر وسعت و دقت تحلیل رابطه ایدئولوژی و توسعه سیاسی در ایران معاصر (۱۳۰۴ - ۱۲۸۵ ه. ش) گام بردارد ترکیب خاصی از مفاهیم ساختار، نظام کنش متقابل و کنشگر اجتماعی، پیشنهاد شد که می‌توان آن را به عنوان تئوری برد متوسط به خدمت گرفت.

بر اساس الگوی پیشنهادی، متغیر اساسی دگرگونی سیاسی به حوزه سیاست محدود شد اگر چه عوامل خارجی چون عوامل خارج از نظام اجتماعی ایران و نظام‌های در ارتباط با حوزه سیاست چون نظام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را از نظر دور داشته نشده‌اند و به عنوان «شرایط» به کار گرفته شدند. نظام کنش متقابل را به لحاظ «نقش» کنشگران می‌توان به دو تیپ ایده‌آل تقسیم کرد که هر یک دارای منطق درونی خاص خویشند. نظام کنش متقابل کارکردی و نظام کنش متقابل وابستگی بر اساس توجه به نظام‌های سازمانی و فوق سازمانی مطرح شده‌اند. «ابهام در نقش»، «تبدیل کنشگران به کارگزاران»، آثار منتهجه از ویژگی‌های نظام کنش متقابل وابستگی است که امکان بیان یک گزاره فراگیر درباره آن را بسیار مشکل می‌کند.

نظام کنش متقابل می‌تواند در بحث فرآیندهای دگرگونی وارد شود و تحلیل انواع فرآیندهای تکرار شونده، تجمعی و تبدیلی به وسیله آن امکان‌پذیر خواهد بود. همچنین به عنوان عامل واسط، منعکس‌کننده «شرایط» اقتصادی - اجتماعی می‌گردد. در نظام کنش متقابل علاوه بر کنشگران، متغیرهای ارتباطی بین آنها نیز مورد توجه قرار می‌گیرد و به فهم علی‌یاری می‌رساند.

آنچه که در تحلیل نظری عنوان گردید در یک نوسان از توسعه سیاسی یعنی ۱۳۰۴-۱۲۸۵ ه. ش مورد آزمون تجربی قرار گرفت.

منابع و مأخذ

- ۱- ابراهامیان، پرواند، ۱۳۷۷، ایران بین دو انقلاب، ترجمه گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- ۲- آدمیت، فریدون، ه ۱۳۵۵، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، تهران: انتشارات پیام.
- ۳- —، b (۱۳۵۶)، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ۴- آوری، پیتر، ۱۳۶۳، تاریخ معاصر ایران (از تأسیس پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۵)، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، مؤسسه مطبوعات عطایی.
- ۵- اتحادیه (نظام مافی)، منصور، ه ۱۳۶۱، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی)، تهران: نشر تاریخ ایران.
- ۶- —، b، منصور، ۱۳۶۱، مرامنامه و نظام‌های احزاب سیاسی ایران در دومین مجلس شورای اسلامی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- ۷- الموتی، ضیاءالدین، ۱۳۷۰، فصولی از تاریخ مبارزات سیاسی و اجتماعی ایران (جنبش‌های چپ)، تهران: انتشارات چاپخش.
- ۸- بشلر، ژان، ۱۳۷۰، ایدئولوژی چیست؟، ترجمه علی اسدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۹- بودون، ریمون، ۱۳۶۴، منطق اجتماعی (روش تحلیل مسائل اجتماعی)، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات جاویدان.
- ۱۰- تامپسون، کنت و دیگران، ۱۳۸۱، دین و ساختار اجتماعی، ترجمه علی بهرامپور و حسن محدثی، تهران: نشر کویر.
- ۱۱- رحیمی، مصطفی، ۱۳۴۷، اقتصاد سیاسی ایران (مجموعه مقاله‌ها و نظریه‌ها)، تهران: پژوهشکده جامعه پژوهشی و برنامه‌ریزی میزان مؤسسه انتشارات فرانکلین.
- ۱۲- سیف‌اللهی، سیف‌الله، ۱۳۷۴، اقتصاد سیاسی ایران (مجموعه مقاله‌ها و نظریه‌ها)، تهران: پژوهشکده جامعه پژوهشی و برنامه‌ریزی میزان.
- ۱۳- فراستخواه، مقصود، ۱۳۷۷، تاریخ تحولات اجتماعی ایران (از صفویه تا سالهای پس از انقلاب

تبیین جامعه‌شناختی نقش ایدئولوژی ❖ ۳۱

- اسلامی)، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۱۴- کاتوزیان، محمدعلی همایون، ۱۳۷۳، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- ۱۵- کدیور، محسن، ۱۳۷۶، نظریه‌های دولت در فقه شیعه، تهران: نشر نی.
- ۱۶- کسروی، احمد، ۱۳۵۹، تاریخ مشروطه ایران (جلد اول). تهران: امیرکبیر.
- ۱۷- گلدمن، لوسین، ۱۳۷۵، فلسفه روشنگری (بورژوازی مسیحی و روشنگری)، ترجمه شیوا (منصوره) کاویانی، تهران: نشر فکر روز.
- ۱۸- یوسفی اشکوری، حسن، ۱۳۷۲، سیری در فرهنگ و تاریخ شیعه، تهران: نشر سعید محبی.
19. Kedd. Nikki, 1980, Iran, Religion, Politics and Society (Collected Essay), London: Frankcass and Company Limit.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی